

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایه: X739-1735

دوره ۱۲، شماره ۲ (پیاپی ۶۴)، زمستان ۹۹

دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری آذربایجان:

اهداف و دستاوردها

۱۳۹۸/۰۹/۲۷

۱۳۹۹/۰۳/۱۱

دانیال رضاپور*

مهدی هدایتی شهیدانی**

چکیده

انرژی دارای ارزش و اهمیت بسیار تعیین‌کننده‌ای در روابط بین‌الملل می‌باشد و وجود آن در هر کشوری می‌تواند آن کشور را تبدیل به عرصه‌ای برای رقابت و کشاکش نموده و صف‌بندی‌ها و آرایش‌های سیاسی را حول آن شکل دهد. در راستای دکترین فوق، اتحادیه اروپا به دنبال استفاده حداکثری از انرژی و همکاری با کشورهای است که دارای منابع انرژی می‌باشند تا قدرت خود را بازیابد و بیشترین تاثیر را بر سیاست‌های کشورهای صادرکننده انرژی به ویژه روسیه بر جای بگذارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی علل، زمینه و همچنین نقش متغیر انرژی در همکاری اتحادیه اروپا با آذربایجان از سال ۲۰۰۶ به بعد می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله این‌گونه مطرح می‌شود که دلایل اهمیت جمهوری آذربایجان در سیاست انرژی اتحادیه اروپا چیست؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که «استفاده‌ی سیاسی روسیه از ابزار انرژی به منظور فشار بر اتحادیه اروپا و همچنین رشد روزافزون نیازهای اتحادیه به واردات منابع انرژی، شرایط را برای افزایش همکاری‌های اتحادیه اروپا با آذربایجان از طریق کریدورهای بین‌المللی فراهم آورده و در شرایط تیرگی روابط با روسیه، گسترش مناسبات میان اتحادیه و آذربایجان به تسهیل در روند فشار بر روسیه و افزایش قدرت چانه‌زنی اتحادیه منجر شده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، آذربایجان، دیپلماسی انرژی، روسیه، کریدور گاز جنوبی.

صفحات: ۱۷۸-۱۵۱

* پژوهشگر حوزه اوراسیا
و دکتری روابط بین‌الملل
دانشگاه گیلان.

danyalrezapoor@
gmail.com

** نویسنده مسئول،
استادیار گروه علوم سیاسی،
دانشگاه گیلان.

Mehdi.hedayati88@
gmail.com

مقدمه

اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بازیگران ژئوپلیتیکی تاثیرگذار در سطح جهان علی‌رغم دارا بودن ۲۰ درصد اقتصاد جهانی، ذخایر محدودی از نفت و گاز را داراست. همچنین بعد بحران اوکراین، سیاست‌مداران اتحادیه اروپا تشخیص دادند که تحولات ژئوپلیتیکی هنوز بر تامین امنیت اتحادیه تأثیر می‌گذارد و اطمینان دسترسی به انرژی نه تنها نیازمند یک بازار انرژی داخلی مطمئن بلکه نیازمند روابط راهبردی با کشورهای برخوردار از منابع فسیلی می‌باشد که تحت فشارهای ژئوپلیتیکی روسیه نباشند. زیرا از لحاظ تاریخی بعد از مناقشات گازی بین روسیه و اوکراین در سال ۲۰۰۶، مناقشات روسیه و بلاروس در سال ۲۰۰۷ و روسیه- اوکراین در سال ۲۰۰۹، اروپا به فکر تنوع دادن به منابع گازی خود افتاد.

کاهش وابستگی به خطوط لوله مرتبط به روسیه برای اروپا بسیار مهم بوده و از طرف دیگر مناقشات مکرر باعث زیر سوال رفتن روسیه به عنوان یکی از تامین‌کننده اصلی گاز اروپا بیان شده است. این اقدامات، اتحادیه را در تنوع دادن به منابع عرضه و همچنین ساخت خطوط لوله جدید ترغیب کرد (Herranz-Surrallés, 2016: 4-5). در همین راستا، اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر فعالیت‌های زیادی در روابط خارجی مخصوصاً دیپلماسی انرژی داشته است به طوری که در سند جهانی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ بخشی خاصی را به این نوع دیپلماسی اختصاص داده شده است. در دیپلماسی انرژی اروپاییان برقراری ارتباط با صادرکنندگان گاز بسیار مهم است زیرا پیش‌بینی می‌شود واردات گاز طبیعی اتحادیه اروپا از ۷۷ درصد در سال ۲۰۲۵ به ۸۳ درصد در سال ۲۰۴۰ افزایش یابد (Iea Statics, 2018).

از طرف دیگر، مصرف گاز ۲۱/۲ درصد کل مصرف انرژی داخلی در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ بوده و پیش‌بینی شده سهم بیشتری در ترکیب انرژی برای آینده کشورهای اروپایی داشته باشد (European Commission, 2018: 22). ادبیات موجود هم نشان‌دهنده این امر است که از اواسط سال ۲۰۰۷ اتحادیه اروپا نقش گسترده‌ای به روابط خارجی خود برای فعالیت بیشتر در زمینه

دیپلماسی انرژی مخصوصاً در قبال جمهوری آذربایجان اختصاص داده است، زیرا تاکید بر دیپلماسی انرژی در مورد ناامنی تامین گاز اروپا تا حد زیادی محصول روابط روسیه و اروپا از سال ۲۰۰۶ بوده است.

جمهوری آذربایجان با ۷ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت (۰/۶ درصد ذخایر جهانی) و ۱/۳۷ تریلیون مترمکعب گاز، یکی از صادرکنندگان اصلی گاز به اتحادیه اروپا می باشد (Opec, Azarbaijan: 2018). مهم ترین حوزه گازی آذربایجان شاه دنیز دریای خزر در سال ۱۹۹۹ کشف شد. این حوزه گازی با مساحتی در حدود ۸۶۰ کیلومتر مربع و در عمق ۵۰۰ متری زیر بستر دریای خزر- در بین دو حوزه نفتی این کشور که توسط شرکت های بزرگی مانند موبیل و اگزون اداره می شوند- واقع شده است. جمهوری آذربایجان موفق شد که با جذب سرمایه گذاری و مشارکت شرکت های بزرگ نفتی، ۴ ترمینال بزرگ نفتی که ظرفیت تخلیه و بارگیری دوباره بیش از یک میلیون بشکه نفت در روز را دارد و ساخت خطوط لوله ای با قطر ۴۸ اینچ و با ظرفیت انتقال ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز در سال، جهت انتقال انرژی این کشور به ترکیه و بازارهای اروپایی، گام های بزرگی را در راستای تأمین منافع ملی خود بردارد (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۶).

واضح است که آذربایجان به لحاظ عرضه گاز به شرکای اروپایی کمک های ویژه ای را ارائه می کند زیرا اتحادیه بزرگترین اهداکننده کمک خارجی به آذربایجان است و از سال ۱۹۹۲ بیش از ۶۰۰ میلیون یورو از کمک های خارجی اتحادیه اروپا (کمک های مالی و مالیاتی) به این کشور اختصاص پیدا کرده است. علاوه بر این، آذربایجان - به عنوان یکی از شرکای شرقی - از مزایای کمک خارجی اتحادیه اروپا از جمله TRACECA (حمل و نقل)، INNOGATE (انرژی)، و برنامه SME (توسعه بخش خصوصی) بهره برده است.

به گفته رییس گمرک جمهوری آذربایجان، در پنج اول سال ۲۰۱۷ حجم گردش تجاری این کشور و اتحادیه اروپا بالغ بر پنج میلیارد دلار بود. صادرات اصلی جمهوری آذربایجان به اروپا نفت و گاز است. رفعت محمداف معاون وزیر اقتصاد جمهوری آذربایجان در همایشی بیان کرد: مجموع سرمایه گذاری

شرکت‌های اتحادیه اروپا در اقتصاد جمهوری آذربایجان ۵۳ میلیارد دلار می‌باشد. وی افزود: حجم گردش تجاری جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ میلادی ۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بود و در حال حاضر یک هزار و ۵۰۰ شرکت از کشورهای این اتحادیه در جمهوری آذربایجان فعال هستند (Bocse, 2018).

این مقاله برای بررسی تقریباً یک دهه روابط اتحادیه اروپا با کشورهای برخوردار از منابع فسیلی در ازای کاهش آسیب‌پذیری در زمینه وابستگی به انرژی روسیه و افزایش قدرت چانه‌زنی، دیپلماسی انرژی اتحادیه در قبال آذربایجان را بررسی می‌کند. پرسش اصلی مقاله این‌گونه مطرح می‌شود که دلایل اهمیت جمهوری آذربایجان در سیاست انرژی اتحادیه اروپا چیست؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که استفاده‌ی سیاسی روسیه از ابزار انرژی به منظور فشار بر اتحادیه اروپا و هم‌چنین رشد روزافزون نیازهای اتحادیه اروپا به واردات منابع انرژی، شرایط را برای افزایش همکاری‌های اتحادیه اروپا با آذربایجان از طریق راهروهای بین‌المللی فراهم آورده است و در شرایط تیرگی روابط کشورهای اروپایی با روسیه بعد از بحران اوکراین ۲۰۱۴، گسترش مناسبات میان اتحادیه با آذربایجان، به تسهیل در روند فشار بر روسیه و افزایش قدرت چانه‌زنی اتحادیه‌ی اروپا در مقابل این کشور منجر شده است. در سازماندهی پژوهش بعد ارائه‌ی پیشینه و چارچوب نظری، به شاخص‌های دیپلماسی انرژی اتحادیه و مسائل پیرامون آن براساس نیاز اروپا به انرژی جمهوری آذربایجان پرداخته خواهد شد و در نهایت نیز نتایج و یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

در پیشینه پژوهش، مطالعاتی در ارتباط با اقدامات دیپلماتیک اتحادیه اروپا صورت گرفته که می‌توان آن‌ها را به این شکل دسته‌بندی کرد؛ الف) پژوهش‌های که روابط سیاسی اتحادیه را با روسیه بررسی می‌کنند (آجیلی و بهارخانی ۱۳۹۴، جعفری و جانیاز ۱۳۹۷، صباغیان و سروستانی ۱۳۹۳).

ب) مطالعاتی که در زمینه انرژی و روابط اقتصادی اتحادیه با روسیه تمرکز کرده‌اند (فرجی‌راد و دولت آباد ۱۳۹۶، خزاعی و طهمورث، ۱۳۹۶، De Jong et al 2010) و (ج) پژوهش‌هایی که به ملاحظات انرژی اتحادیه در قبال کشورهای دیگر می‌پردازد (Triantaphyllou and Fotiou 2010, Siddi 2017, Herranz-Surrallés 2016)

از بین این آثار، مقالات آخر بیشترین شباهت را با این نوشتار دارد. با این تفاوت که در این نوشتار با رویکرد وابستگی متقابل و دیپلماسی انرژی به زمینه‌های ژئوپلیتیکی ایجاد همکاری بین اتحادیه اروپا و آذربایجان هم پرداخته می‌شود، سایر آثار نیز روابط روسیه، اتحادیه و آذربایجان را در یک کل منسجم مانند تعامل دو جانبه این کشورها در برابر فشارهای روسیه را بررسی نکرده‌اند. این هدفی است که نوشتار با استفاده از رهیافت وابستگی متقابل و دیپلماسی انرژی دنبال می‌کند.

چارچوب نظری

نئولیبرالیسم نظریه‌ای در باب آسان‌تر شدن تجارت میان کشورها می‌باشد. این رویکرد به حرکت آزادانه کالاها، منابع و سرمایه‌گذاری، منابع ارزان‌تر، به حداکثر رساندن سود و بهره‌وری تاکید دارد. نئولیبرال‌ها با وجود پذیرش آناشسی در روابط بین‌الملل، بر این باورند که امکان روابط و همکاری بین بازیگران وجود دارد. آن‌ها همچنین به وابستگی متقابل کشورها تاکید دارند و بر این باورند که وابستگی متقابل در بیشتر زمینه‌های غیرامنیتی همانند مسائل اقتصاد امکان‌پذیر است. بنابراین در چارچوب دیدگاه نئولیبرال‌ها یکی از رویه‌های حاکم بر نظام بین‌الملل کنونی، اصل وابستگی متقابل است (قنبری، ۱۳۹۶: ۶). وابستگی متقابل ریشه در طرز تفکر انترناسیونالیستی دارد و ریشه‌ی فکری متأخر این نظریه را می‌توان در مطالعات مربوط به هم‌گرایی منطقه‌ای یافت. نظریه‌پردازان وابستگی متقابل بسیاری از نگرش‌های مربوط به نظریه‌ی هم‌گرایی منطقه‌ای را به طیفی از مسائلی که به وابستگی متقابل اقتصادی بین‌الملل مربوط می‌شود و در دهه ۱۹۷۰ م مطرح شد، گسترش دادند.

این نظریه جزء نظریه‌هایی است که در راستای پیوند دو سطح تحلیل خرد و کلان مطرح شده است. نظریه‌ی وابستگی متقابل نیز همانند دیگر نظریه‌ها دارای گزاره‌ها و مفروض‌های خاصی است که برای روشن شدن چارچوب؛ مفاهیم بنیادین این نظریه نیز عبارتند از: وابستگی متقابل، قدرت، هزینه، حساسیت، آسیب‌پذیری، تقارن و عدم تقارن^۱. با مطرح شدن ارزش‌ها، خطرها و نیز آسیب‌پذیری مشترک و ورود بازیگران جدید و غیردولتی در صحنه سیاست جهانی، کشورهای در زمینه اتخاذ سیاست خارجی موفق خواهند شد که ضمن پذیرش واقعیت دنیای وابستگی متقابل، آمادگی لازم را برای تعامل و همکاری با بازیگران جهانی داشته باشند. در این راستای یکی از ابزارهای مفید برای ورود به مدار تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی مخصوصاً برای اتحادیه اروپا، ابزار دیپلماسی انرژی است. دیپلماسی انرژی برنامه‌ای است راهبردی، جامع و کارآمد که تعاملات بین‌المللی در حوزه انرژی را برای یک کشور مدون نموده و چارچوب کلی توافقات را روشن می‌سازد.

دیپلماسی انرژی چه برای مصرف‌کنندگان و چه برای تولیدکنندگان، به منزله ایجاد فرصتی برای حداکثرسازی منافع ملی است. دیپلماسی انرژی برای کشورهای صادرکننده به منزله استفاده از ابزار انرژی در جهت تامین اهداف دیپلماتیک و اقتصادی و برای کشورهای واردکننده مثل اتحادیه اروپا به منزله استفاده از ابزار انرژی به معنای اتخاذ استراتژی‌های منطقی برای ایجاد امنیت انرژی است. کشورها در چارچوب این دیپلماسی در راستای افزایش منافع ملی خود با هم رقابت می‌کنند (شفائی و دارابی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲).

باید خاطر نشان ساخت که کارکرد دیپلماسی انرژی، بستگی بالایی به دستور کار سیاست خارجی یک کشور دارد. زیرا میان سیاست خارجی و دیپلماسی انرژی یک رابطه دوسویه برقرار است. همان‌طور که دیپلماسی انرژی به تقویت سیاست خارجی می‌انجامد، دستور کار سیاست خارجی

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به فصل سوم کتاب تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل (مشیرزاده، ۱۳۸۵).

یک کشور نیز می‌تواند جهت‌گیری دیپلماسی انرژی آن را نیز تعیین کند. می‌توان گفت که دیپلماسی انرژی منبع تولید قدرت نرم، زمینه‌ساز توسعه همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و ابزار ارتقای منزلت ملی و بین‌المللی در محیط سیاست خارجی است (کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵-۶). امروز اهمیت بعد دیپلماتیک انرژی در تأمین منافع ملی با رشد وابستگی متقابل میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده دوچندان شده است.

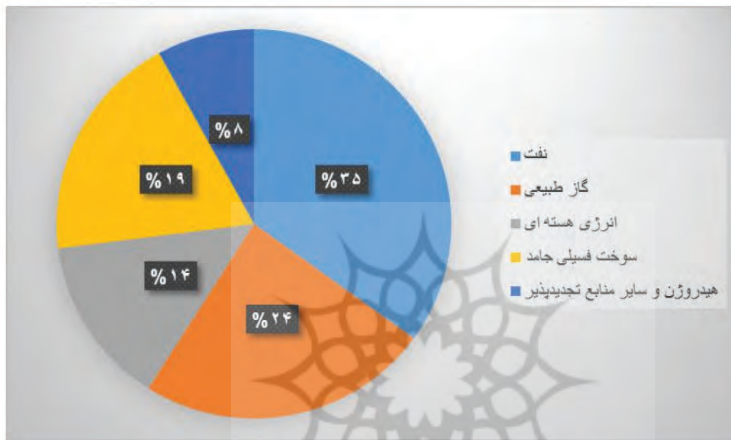
این امر باعث شده تا پدیده‌ای با نام دوجانبه‌گرایی در دیپلماسی انرژی شکل بگیرد که ممکن است خلاف رویه مجامع جهانی یا منطقه‌ای باشد. امروز دوجانبه‌گرایی در دیپلماسی انرژی از دیگر عناصر سازنده نظم جدید است که طی آن دولت‌ها برای تضمین معاهدات بلند مدت یا فرار از تحریم‌های کشورهای ثالث و کاستن از نفوذ این کشور بایگدیگر وارد تعامل می‌شوند (نیاکویی و کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۴-۵). با تعریفی که از دیپلماسی انرژی در بالا انجام پذیرفت باید خاطر نشان ساخت که نقش دیپلماسی انرژی برای اتحادیه اروپا در هر دو بعد داخلی و خارجی امنیت این اتحادیه پررنگ است. در حقیقت چه در زمینه تأمین منافع عمومی و به خصوص توانایی دولت‌ها یا حکومت‌ها در جهت برآوردن توقعات روزافزون جامعه اروپا و حرکت در مسیر توسعه از نقش بسیار مهم دیپلماسی انرژی سخن گفت و هم در بعد خارجی آن در خصوص نحوه تعیین جایگاه اتحادیه در صحنه بین‌الملل و رابطه هدفمند با دیگرهای کشورهای برخوردار از انرژی‌های فسیلی.

شاخص‌های دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا

۱. وابستگی اتحادیه‌ی اروپا به انرژی

بیشتر اعضای اتحادیه اروپا از واردکنندگان بزرگ انرژی هستند. آن‌ها ۵۵ درصد از انرژی مورد نیاز خود را وارد می‌کنند که شامل حدود ۸۴ درصد از نفت و ۶۴ درصد از گاز طبیعی مصرفی‌شان می‌شود. به طوری که در سال ۲۰۱۸ ماهانه حدوداً ۲۷،۶ میلیارد دلار سهم اتحادیه از واردات انرژی بوده است (Eurostat, 2019: 3). اعضای اتحادیه به شدت بر مصرف گاز طبیعی تکیه

دارند، به ویژه این‌که آن‌ها به دنبال کاهش دادن دی اکسید کربن و گازهای گلخانه‌ای هستند. گاز طبیعی ۲۴ درصد از مصرف انرژی اولیه اروپا در سال ۲۰۱۱ بود که بیش‌بینی می‌شود تا ۲۰۳۰ این میزان به ۳۰ درصد افزایش پیدا کند. کمیسیون اروپا هم پیش‌بینی کرده است که تا ۲۰۳۰ واردات نفت به بالای ۹۰ درصد و گاز طبیعی بالای ۸۰ درصد برسد (تیشه‌یار و گرجی ۱۳۹۵: ۶).



شکل ۱: میزان مصرف حامل‌های انرژی اتحادیه اروپا (خرزاعی و طهمورث، ۱۳۹۶)

در این رابطه اتحادیه اروپا در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار دارد زیرا واردات انرژی این اتحادیه عمدتاً از مناطقی است که فاقد عنصری چون پایداری، اطمینان و اعتماد در فرآیند صدور انرژی هستند. به عنوان مثال روسیه به عنوان یکی از تامین‌کنندگان عمده منابع فسیلی اتحادیه با صادر کردن ۴۰ درصد گاز طبیعی و ۲۷ درصد نفت در سال ۲۰۱۸ (BP Energy Outlook, RUSSIA, 2019)، رفتار سیاسی‌اش در برخورد با اوکراین و نیز مولداوی و قطع جریان گاز از سوی شرکت گازپروم به این کشورها و سپس کاهش ۳۰ درصدی صدور گاز به فرانسه و ایتالیا، این انگاره را در محافل سیاسی اروپا تقویت کرد که این کشور با انجام چنین اقداماتی، جنگ سرد جدیدی را در مناسبات خود با اتحادیه آغاز نموده است (De Jong, Wouters and Sterkx 2010: 5-9).

همچنین برخورداری روسیه از یک پنجم منابع انرژی جهان و نیز رشد فزاینده نیاز جهانی به مصرف انرژی به ویژه در دو بخش نفت و گاز طبیعی، برخی نویسندگان و کارشناسان مسائل انرژی را به این نتیجه رسانده که روسیه علاوه بر بهره‌گیری اقتصادی از فروش انرژی برای بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی خود می‌کوشد منافع سیاسی و امنیتی از این رهگذر به دست آورد. به طوری که برخی تحلیل‌گران بین‌المللی به علت اقدام روسیه در بهره‌گیری سیاسی و امنیتی از صدور انرژی بروز پدیده «انرژی هراسی»^۱ در اتحادیه اروپا را پیش‌بینی کرده‌اند (فرجی‌راد و دولت‌آباد، ۱۳۹۶: ۳).

هرچند روسیه از اهرم فشار خود در برابر اتحادیه اروپا استفاده می‌کند و پس از اینکه چند هفته‌ای انتقال گاز خود در سال ۲۰۰۶ به اروپا را قطع کرد؛ ولی باز هم اتحادیه اروپا به تقاضای انرژی خود از روسیه ادامه داد زیرا روسیه نفوذ خود بر منابع ترکمنستان و آذربایجان و نیز بر مسیرهای انتقال انرژی از اوکراین را افزایش داد و در تلاش برای افزایش نفوذ خویش در ایران بود. با این وجود، اتحادیه اروپا تلاش کرد تا با استفاده از خطوط لوله جدید مانند ناباکو، مناسبات تأمین انرژی خویش را متنوع نماید که این موضوع به شدت از سوی روسیه مورد انتقاد قرار گرفت. شاید تنها کشوری که بیشتر از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگر به دنبال کسب منافع اقتصادی می‌باشد؛ اتحادیه اروپا باشد. اتحادیه اروپا همواره به دنبال همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه برای تضمین امنیت انرژی خود می‌باشد. تدوین "پیمان منشور انرژی"^۲ و تشویق کشورها برای پیوستن به آن و ایجاد شرکتی برای احداث خط لوله جدید جهت انتقال گاز از منطقه دریای خزر به اتحادیه اروپا نمونه‌هایی از اجرای این سیاست می‌باشد (آجیلی و بهادرخانی، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۲).

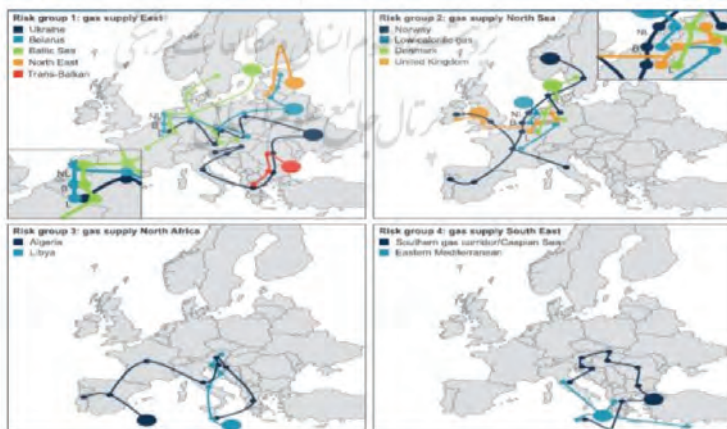
با این وجود، جنگ اوت ۲۰۰۸ گرجستان بار دیگر شکنندگی امنیت انرژی اتحادیه اروپا را نشان داد و هر دو خط لوله باکو-تفلیس-جیحون و باکو سوپسا که در قلمرو گرجستان در حال اجرا بودند به علت درگیری متوقف شدند. پس

1. scary energy
2. Energy Charter Treaty

از این اتفاق، اتحادیه اروپا مجدداً به ارزیابی امنیت انرژی خود پرداخت. در واقع این جنگ به اتحادیه اروپا فشار آورد تا استراتژی دوم خود در مورد امنیت انرژی که شامل توسعه زیرساخت‌ها و ارتباطات، اجرای مکانیسم‌های مناسب برای واکنش به بحران‌ها، تنوع مسیرها و منابع، استفاده از کریدور جنوبی برای انتقال گاز دریای خزر و آسیای غربی به اروپا را بررسی کند. در اوائل سال ۲۰۰۹ نیز مانند سال‌های گذشته، انتقال گاز روسیه به اروپا با مشکل مواجه شد. قطعی گاز سال ۲۰۰۹ برخلاف سال‌های گذشته و در یکی از سردترین زمستان‌های اروپا به مدت دو هفته طول کشید. بحران ۲۰۰۹ توجه موسسات اروپایی به آسیب‌پذیری‌های انرژی اتحادیه اروپا را جلب کرد. اسناد منتشر شده توسط پارلمان اروپا به این واقعیت اشاره کرد که "اختلال ناعادلانه در منابع می‌تواند مشکلات جدی را ایجاد کند، همان‌طور که کمیسیون اروپا اظهار داشت که اختلالات عرضه جدی گاز به عنوان یک «تماس هشدار» عمل می‌کند که نشان‌دهنده آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا در مورد تامین انرژی است" (European commission, 2010).

نزاع روسیه و اوکراین در سال ۲۰۱۴ هم موجب نگرانی شدید مربوط به وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه شد. روسیه پس از ضمیمه کریمه در مارس ۲۰۱۴ و در نتیجه درگیری مداوم در شرق اوکراین، تهدید کرده بود که تحویل گاز به اوکراین را قطع می‌کند. نشانه‌های مهمی وجود داشت که روسیه استفاده از انرژی را به عنوان یک سلاح سیاست خارجی، ابتدا در رابطه با اوکراین و بعداً در رابطه با اتحادیه اروپا، استفاده خواهد کرد. زیرا بر اساس برآوردهای بریتیش پترولیوم، بیش از ۸۰ درصد نفت و تقریباً ۶۰ درصد گاز مصرفی در اروپا وارد می‌شود و سهم روسیه در واردات اتحادیه اروپا چشم‌گیر است. به عنوان نمونه، کشورهای اروپایی ۳۳ درصد از نفت خود از روسیه وارد می‌کنند و سهم روسیه در واردات گاز اتحادیه اروپا حدود ۴۰ درصد می‌باشد. یک سوم صادرات گاز روسیه از طریق خط لوله‌های اوکراین منتقل می‌شود.

روسیه در ژانویه ۲۰۱۷ با انتقال ۱۸ میلیارد مترمکعب گاز (۳،۳۹ درصد از کل مصرف گاز اروپا)، و در سال ۲۰۱۸ با انتقال ۲۰ میلیارد مترمکعب گاز (۲،۴۰ درصد از کل مصرف گاز اروپا) رکورد صادرات به اروپا را شکست (ec.europa.eu, 2019: 4). از این رو، افزایش وابستگی اروپا به ذخایر نفت و گاز روسیه به عنوان ابزاری موثر برای فشار سیاسی نه تنها بر کشورهای اروپایی بلکه بر کشورهایی مثل بلاروس و اوکراین، که مسیرهای انتقال انرژی از سرزمین آنها صورت می‌گیرد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. روسیه در رابطه با اروپا در زمینه انرژی از مزیت مطلق برخوردار است و اروپا از این نظر به شدت به روسیه وابسته و آسیب‌پذیر است. چنانچه وضعیت با شرایط کنونی تداوم یابد و تحولات اساسی در زمینه منابع جدید انرژی در اروپا صورت نپذیرد، پیش‌بینی می‌شود که میزان وابستگی اروپا به واردات انرژی در سال ۲۰۳۰ از ۵۰ درصد به ۷۵ درصد افزایش یابد. طی همین دوره زمانی، نیاز اروپا به واردات گاز از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۶۶ درصد در سال ۲۰۳۰ بالغ خواهد شد و این مزیت خوبی برای روسیه است تا از هم‌اکنون کنترل نبض انرژی در بازارهای اروپایی را به دست گیرد (فرجی‌راد و دولت‌آباد، ۱۳۹۶: ۱۶-۱۷).



شکل ۲: مناطق خطر پذیر تامین منابع گازی اروپا (CEEP, 2018)

برای مقابله با اقدامات روسیه، استراتژی امنیت انرژی اتحادیه در مه ۲۰۱۴ در قبال اقدامات روسیه وضع شد. این استراتژی شامل افزایش تولید انرژی در کشورهای اروپایی، تنوع تامین‌کنندگان خارجی و آماده کردن زیرساخت‌های مربوطه برای انتقال خطوط لوله به اروپا بوده است، همچنین این استراتژی به اتحادیه توصیه کرده بود که: "کشورهای اروپایی ضمن کاهش وابستگی خود به تامین‌کنندگان منابع انرژی مخصوصاً روسیه، باید مسیرهای جدیدی را برای تامین منابع خود پیدا کنند. بدیهی است که همکاری با نروژ، تسریع در پیشبرد کریدور گاز جنوبی و ارتقاء یک مرکز گاز جدید در جنوب اروپا باید در اولویت قرار گیرد" (European commission, 2014: 20).

همچنین با توجه به مصرف روزافزون منابع انرژی به همراه گسترش اتحادیه به شرق و مناقشه روسیه و اوکراین از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸، اتحادیه را ترغیب به تنوع منابع از طریق تقویت دیپلماسی انرژی با شرکای مختلف مخصوصاً کشورهای متمایل به عضویت در اتحادیه همانند آذربایجان کرده است. در همین راستا، در تاریخ ۲۰ ژوئیه سال ۲۰۱۵، شورای امور خارجه اروپا، یک برنامه اقدام مشترک در اتحادیه با هدف ایجاد و توسعه همکاری‌های انرژی با کشورهای تولیدکننده و ترانزیتی جهانی - منطقه‌ای تصویب کرد (Council of the EU, 2015: 5). تعامل میان اتحادیه اروپا و آذربایجان و تلاش اروپا برای مشارکت با این کشور هم در راستای استراتژی و برنامه اقدام مشترک اتحادیه بوده است.

۲. روابط اتحادیه اروپا با جمهوری آذربایجان با تاکید بر متغیر انرژی

اروپاییان به خوبی آگاهی دارند که حفظ روند رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه بالابردن سطح رفاه و در نتیجه ثبات سیاسی و اقتصادی کشورهاشان به واردات گاز و به‌ویژه تضمین ثبات عرضه آن بستگی دارد. همچنین اتحادیه درک کرده که امنیت انرژی نیز می‌تواند حوزه‌ای برای آسیب‌پذیری استراتژیک کشورهای اروپایی باشد. در نتیجه استراتژی

متنوع‌سازی منابع گاز در اولویت این اتحادیه قرار گرفته است. شرکت‌های اروپایی با سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز به دنبال سیاست متنوع‌سازی عرضه می‌باشند که تحت این سیاست، اوراسیا به عنوان عرضه‌کننده استراتژیک گاز تلقی می‌شود. از این رو، اتحادیه بر آن شد تا بزرگ‌نمایی خطر روسی‌شدن و مداخله برای حفظ امنیت انرژی خود، سیاست خارجی کشورهای کوچک منطقه اوراسیا مثل آذربایجان را با خود همراه سازد و ضمن مشارکت و سرمایه‌گذاری در فرآیند استخراج، تولید و انتقال انرژی این جمهوری، انتقال انرژی به اروپا را از مسیر انحصاری روسیه خارج سازد. با این هدف از سال ۲۰۰۶ راهبرد منطقه اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی بیشتر صورت عملی به خود گرفت. از این اقدام‌ها می‌توان به "سیاست همسایگی اتحادیه اروپا"، مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر در این منطقه اشاره کرد که زمینه ساز طرح "اینوگیت، تراسکا، خط لوله ناباکو"^۱، ایجاد پیمان منشور و قراردادهای همکاری و مشارکت در زمینه‌های فنی حمل و نقل انرژی شد. از آنجا که اروپایی‌ها قفقاز جنوبی را در محدوده اروپا می‌شناسند، بروز هرگونه بحران در محدوده و در درون این منطقه را تهدیدی برای اروپا می‌دانند. در این زمینه، این سازمان با هدف حفظ و حمایت از خطوط لوله و منافع انرژی اتحادیه اروپا در منطقه خزر با شعار مقابله با بحران‌های متعدد قومی، ملی و منطقه‌ای و همچنین مبارزه با تروریسم، همکاری خود را با کشورهای جدا شده از اتحاد شوروی مثل آذربایجان آغاز کردند. میانجی‌گری بر سر مسئله ناگورنو-قره باغ و جلوگیری از گسترش تنش‌های ناشی از فعالیت‌های اوست‌ها و آبخازیا و نیز دخالت در بحران چچن از اقدام‌های این سازمان در منطقه بود (جعفری و جانباز، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۵).

امروزه شاکله روابط اتحادیه اروپا و آذربایجان بر مبنای تعدادی از توافقنامه‌های قانونی و سیاسی مستحکم شده که مهمترین آن‌ها توافقنامه مشارکت و همکاری ۱۹۹۶ (PCA)، سیاست همسایگی اروپا در سال ۲۰۰۴،

1. European Neighborhood Policy
2. Inogate, Terasca, Nabucco Pipeline

توافقنامه مشارکت شرق در سال ۲۰۰۹، تفاهم‌نامه همکاری‌های انرژی استراتژیک در سال ۲۰۰۹ و توافقنامه‌ای در مورد همکاری زیر ساخت‌های انرژی در سال ۲۰۱۵ می‌باشد (Mard, 2016: 1). همچنین آذربایجان با برخورداری از منابع غنی فسیلی (نفت و گاز) یک بازیگر کلیدی در توسعه کریدور گاز جنوبی^۱ (SGC) است و می‌تواند بوسیله این کریدور به دسترسی گاز اروپا از طرف ترکمنستان تاثیرگذار باشد. در همین راستا، فواد اسگنداروف رئیس هیئت آذربایجان در اتحادیه اروپا معتقد است: "ما متعهد به آن هستیم که روابط خودمان را با اعضای اتحادیه براساس یک همکاری قوی، عمیق و آینده‌گرا در زمینه روابط اقتصادی برگشت‌ناپذیر که به یک مشارکت استراتژیک منجر شود، گسترش بدهیم، زیرا در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد تجارت خود را با اتحادیه اروپا انجام می‌دهیم" (Isgandarov, 2015: 1).

روابط انرژی بین اتحادیه و آذربایجان در دهه اول قرن بیست یکم در اطراف SGC توسعه یافته است. کریدور گاز جنوبی شامل ۳ خط لوله ۱- خط لوله قفقاز جنوبی (SCP) در سراسر آذربایجان و گرجستان، ۲- (TANAP) در سراسر ترکیه و ۳- خط لوله (TAP) عبور از یونان و آلبانی و اتصال آن‌ها به ایتالیا بوده است. با این حال تامین کننده اصلی کریدور گاز جنوبی در آینده نزدیک کنسرسیوم شاه دنیز است که بصورت کامل میدان گازی گسترده شاه دنیز در آذربایجان را اداره می‌کند. به همین خاطر کمیسیون اروپا به طور آشکار از SGC در دهه گذشته حمایت کرده است. در سال ۲۰۱۱ مانوئل باروزو، رئیس وقت کمیسیون اروپا با افتخار اعلام کرده بود: "قدم زدن در مسیری که باعث افزایش امنیت انرژی اروپا بعد سال‌ها می‌شود، افتخاری است که نصیب من شده است" (Barroso, 2011).

۱. یک سیستم خط لوله ارتباطی که اروپا به مناطق غنی گازی خزر و احتمالاً خاورمیانه متصل می‌کند.



شکل ۳. خطوط لوله TAP، SCP، TANAP (IEA, 2018)

این پروژه متناسب با اهداف اتحادیه در زمینه تنوع و مسیره‌های انرژی می‌باشد زیرا علاوه بر دسترسی به گاز مورد استخراج از آذربایجان (بعدها ترکمنستان و ایران)، مسیر جایگزین گاز روسیه از طریق اوکراین را فراهم می‌کند. از طرف دیگر حمایت اتحادیه اروپا از کریدور گاز جنوبی شامل حمایت دیپلماتیک و سیاسی، معافیت از قانون مالیات اتحادیه اروپا و همچنین کمک مالی کمیسیون اروپا و بانک سرمایه‌گذاری اروپا (EIB) بوده است. خطوط لوله TAP، به عنوان کلید باز شدن کریدور گاز جنوبی براساس موافقتنامه‌های بین‌دولتی بین کشورهای ترانزیتی و موافقت‌نامه‌های حمایت شده در حضور مقامات بلندپایه کمیسیون اروپا به تصویب رسید. ابزارهای قانونی یا معافیت از قانون مالیات اتحادیه اروپا نیز برای تسهیل توسعه روابط قوی اتحادیه اروپا و آذربایجان در راستای تحکیم این کریدور استفاده شده است.

در همین راستا، در مه ۲۰۱۳، کنسرسیوم شاه‌دیز اعلام کرد که TAP خط لوله انتخاب شده برای عرضه گاز به اروپا است، از این‌رو، کمیسیون اروپا درخواست TAP برای معافیت دسترسی به شخص ثالث را تایید کرد. این معافیت‌ها باعث شد که این پروژه جذاب‌تر از دیگر راهروهای ارتباطی باشد. همچنین کمیسیون اروپا با وامی ۱٫۵ میلیارد دلار در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۱۸ بیشترین مبلغ سرمایه‌گذاری برای بهبود زیرساخت خطوط لوله

کریدور گاز جنوبی از طریق بانک سرمایه‌گذاری اروپا را انجام داده است (Bocse, 2018: 12-13).

حفظ روابط دیپلماتیک مناسب اتحادیه اروپا و آذربایجان برای تحقق کریدور گاز جنوبی مهم می‌باشد. بنابراین رئیس وقت کمیسیون اروپا، مانوئل باروزو شخصا چند بار در امضای موافقتنامه‌های بین دولتی برای پروژه‌های مختلف خط لوله که بخشی از توسعه کریدور گاز جنوبی بوده، شرکت کرد. باروسو در سال ۲۰۱۱ از آذربایجان و ترکمنستان بازدید کرد تا این دولت‌ها را متقاعد سازد تا گاز خود را از طریق کریدور جنوبی انتقال دهند. با توجه به این واقعیت، اعلامیه سیاسی که توسط کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید را می‌توان بسیار راهبردی تلقی کرد: "از نظر سیاسی کمیسیون حمایت همه جانبه‌ای از کریدور گاز جنوبی می‌کند و همچنین باید تأیید کنیم که آذری‌ها آماده عرضه اولیه حجم گاز، برای راه اندازی کریدور جنوبی هستند. اما مسئله مهم‌تر این است که آیا سایر تامین‌کنندگان در حقیقت به تعهد خودشان همانند آذربایجان در زمینه تامین منابع گازی اروپا پایبند خواهند بود تا ما (اتحادیه) به تعهدات خود در قبال این کشورها عمل نماییم؟" (European commission official, 2014).

با توجه به حمایت‌های صورت گرفته از سال ۲۰۲۰، کریدور گاز جنوبی در مرحله اول خود ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال را به بازار اروپا عرضه خواهد کرد. از طریق این کریدور، اتحادیه برای اولین بار از گاز خزر بهره‌مند خواهد شد و در نتیجه منابع و مسیرهای خود را متنوع می‌کند. ده میلیارد متر مکعب هرچند تنها کسری از مصرف گاز سالانه اتحادیه اروپا را تامین می‌کند اما با این حال، حتی با تحویل ۱۰ میلیارد متر مکعب، کارشناسان موسسات اروپایی معتقدند که این اقدام قدرت چانه‌زنی اتحادیه و شرکت‌های اروپایی را برای کاهش قیمت گاز روسیه افزایش خواهد داد. یک مقام اتحادیه اروپا معتقد است:

"همه می‌خواهند به روس‌ها بگویند که ما می‌توانیم گاز متفاوت داشته باشیم. هرچند مسیرهای متنوع منابع گازی به شما گزینه‌های

مختلفی ارائه می‌دهد، اما حالت روانی آن مهم‌تر است؛ زیرا به شما چیزی را می‌دهد که صحبت کنید و به خودتان اعتماد کنید، صحبت کردن با روس‌ها آسان نیست، به ویژه اگر آن‌ها بدانند که شما چیزی برای ارائه ندارید" (Siddi, 2017: 1-2). به همین منظور، یک مجموعه از مذاکرات به امید انتقال منابع نفت قزاقستان و ترکمنستان از طریق خط باکو - تنگیز - جیهان انجام شده است. همچنین مذاکرات مارس ۲۰۰۶ باعث تحولات مهمی در اوراسیا شد. در آوریل ۲۰۰۶، نیازف رئیس‌جمهور پیشین ترکمنستان یک قرارداد برای انتقال گاز ترکمنستان به غرب امضاء کرد و انحصار روسیه در صادرات گاز ترکمنستان را شکست که یک بعد خط لوله باکو-تفلیس-جیحون افتتاح شد.



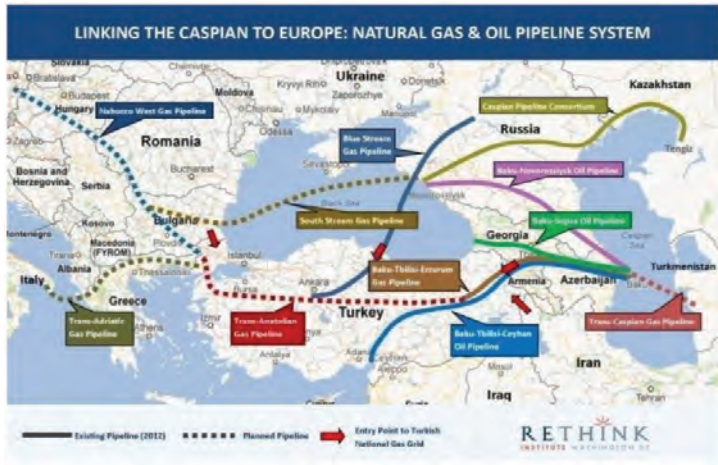
شکل ۴. خطوط لوله باکو-تفلیس-جیهان؛ و باکو-تفلیس-ارزوم (Mard, 2016)

این مسیر برای اولین بار مقدار زیادی انرژی را از طریق دور زدن روسیه به اروپا انتقال می‌داد و مسیر دسترسی اتحادیه‌ی اروپا به منابع نفتی دریای خزر را نیز باز کرد. هم‌چنین در می ۲۰۰۶ آذربایجان و قزاقستان

قراردادی برای ساخت خط لوله زیر دریای خزر و اتصال آن به خط باکو امضاء کردند. از طرف دیگر در اواخر سال ۲۰۰۶ م خط لوله باکو- تفلیس- ارزروم و یا خط لوله جنوبی به موازات خط لوله باکو- تفلیس- جیحون، گاز آذربایجان را به ترکیه و از ترکیه به اروپا انتقال داد (صباغیان و سروستانی، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۴ و Mather 2016, 2-3). ساخت مجموعه خطوط لوله باکو- تفلیس- جیحان و باکو- تفلیس- ارزروم به معنای تشکیل کریدور جدید انتقال انرژی در جنوب اوراسیا یعنی کریدور شرق- غرب بود. تشکیل کریدور جدید انتقال انرژی به کلی ترکیب قوا را در منطقه دریای خزر تغییر داد زیرا از نقطه نظر استراتژیک، غرب از این طریق با یک تیر چند نشان می‌زند؛

اول، غرب به جمهوری‌های همسایه حوزه دریای خزر کمک می‌کند تا از وابستگی به روسیه خلاص شوند. دوم، منافع انتقال نفت به نفع متحدین غرب یعنی جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه خواهد بود زیرا خطوط نفت و گاز باکو- تفلیس- جیحان و باکو- تفلیس- ارزروم^۱، نه تنها روسیه و ایران را از جریان‌ها و خطوط نفت و گاز جدا می‌ساخت، بلکه کاربری مسیرهای انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر که از قبل نیز فعال بوده و از روسیه عبور می‌کرده است (مسیر نوروسیسک^۲) را تهدید می‌کرد. سوم، بعد از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ اتحادیه در حال انجام اقداماتی برای کاهش واردات گاز طبیعی از روسیه به میزان بیش از یک چهارم تا پایان ۲۰۲۰ می‌باشد که به توقف سلطه روزافزون مسکو روی انرژی اروپا خواهد انجامید. این اقدامات که به رهبری ایتالیا و آلمان انجام می‌شود به کاهش واردات گاز از روسیه به میزان حدود ۴۵ میلیارد متر مکعب تا سال ۲۰۲۰ میلادی خواهد انجامید که ارزش آن ۱۸ میلیارد دلار در سال است (Simola and Solanko, 2017:18-19).

1. Baku-Tbilisi-Ceyhan and Baku-Tbilisi-Erzurum,
2. NOROSIK Way



شکل ۵. خطوط لوله صادرات نفت و گاز از دریای خزر به اروپا
(International Institute of Khazar Sea Studies, 2018)

اتحادیه اروپا با توجه به اینکه باکو در حال افزایش میزان گازهای صادر شده از طریق SGC است، روابط دیپلماتیک خود را با این کشور مستحکم‌تر کرده است. حتی علاوه بر گاز موجود در میدان شاه دنیز، حجم جدیدی از میدان گاز با غلظت بالا در دریای خزر کشف شده که به گفته خوشکبست یوسف زاده، معاون شرکت نفت دولتی آذربایجان (SOCAR)، تخمین‌های اولیه در این زمینه به ۳۵۰ میلیارد متر مکعب گاز و ۴۵ میلیون تن گاز مایع می‌رسد که در صورت وارد شدن این حجم گاز به چرخه سوخت اتحادیه اروپا بیش از پیش از سلطه روسیه در زمینه انرژی کاسته می‌شود (Yusifzadeh, 2016: 5).

آذربایجان همچنین یک کشور ترانزیتی اصلی بین اتحادیه اروپا و ترکمنستان است و می‌تواند به این طریق به اتحادیه اروپا کمک کند تا پروژه خود را برای یک خط لوله گاز در خاورمیانه اجرا کند و ترکمنباشی در ترکمنستان را به باکو در آذربایجان پیوند دهد. همان‌طور که در صفحات پیشین ذکر شد، ترکمنستان علاقه‌مند به فروش گاز به اتحادیه اروپا است. بردی محمدوف، رئیس‌جمهور ترکمنستان، در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، در تاریخ ۳۰ اوت ۲۰۱۶ اظهار داشت: "ما در ترکمنستان علاقه‌مند هستیم که منابع انرژی را به غرب منتقل کنیم. وی همچنین خاطرنشان کرد که دولت

وی پیشنهادات خاصی را در این زمینه به کمیسیون اروپا ارائه داده است (Berdymukhamedov, 2016).

در همین زمینه، پروژه خط لوله گاز Trans-Caspian (TCP)، که برای ساخت یک خط لوله گاز ۳۰۰ کیلومتری در دریای خزر به ساحل آذربایجان می‌باشد، برای تحویل منابع انرژی ترکمنستان به بازار اروپا آماده می‌شود. با توجه به این موضوع، احداث شاخه دوم خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزوروم در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۴ در باکو آغاز شد. آذربایجان اعلام کرد که این افتتاح رسمی ساختن خط لوله گاز جنوبی بوده است (Ceep, 2018: 1). در این انتقال انرژی، جایگاه ژئوپلیتیکی آذربایجان، ترانزیت گاز بین ترکمنستان و اتحادیه اروپا را تسهیل می‌کند، زیرا خطوط لوله‌ای دارد که تا مرز دریای خزر گسترش یافته و در فاصله کوتاهی از ترکمنستان واقع شده است.



شکل ۶. پروژه خط لوله گاز Trans-Caspian (TCP) (Yusifzadeh, 2016)

هدا و علی (۲۰۱۷) ادعا می‌کنند که می‌توان دیپلماسی انرژی را برای دستیابی به اهداف دیپلماتیک و امنیتی گسترده‌تر، به ویژه هنگامی که پروژه‌های زیربنایی مستقیم با هدف تضعیف دشمنان تاریخی طرح‌ریزی می‌شود، مورد استفاده قرار داد. آن‌ها همچنین معتقدند که کشورها می‌توانند از پروژه‌های زیربنایی انرژی استفاده کنند تا نقش ژئوپلیتیکی خود را افزایش دهند. با توجه به توضیحات فوق، کریدور گاز جنوبی را می‌توان به عنوان یک پروژه زیربنایی مورد توجه قرار داد که نه تنها منبع انرژی، بلکه پیامدهای ژئوپلیتیک وسیع‌تری نیز دارد. زیرا آذربایجان خود

را به عنوان یک کشور اروپایی بین روسیه و ایران در حال محاصره می‌بیند: "آذربایجان در قسمت شرقی اروپا قرار دارد، بخشی از ما، به عنوان دروازه‌ای به سمت شرق در سرتاسر خزر، یک کشور که در بین هژمون‌ها قرار گرفته است" (Triantaphyllou and Fotiou, 2010).

همچنین بررسی سیاست خارجی آذربایجان که اصول و مشخصه‌ی هسته اصلی سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را شکل داده؛ زمینه‌سازی برای حل منازعه قره‌باغ و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی این کشور است. پس از آن می‌توان اصل تبدیل تهدیدهای منطقه‌ای به فرصت‌ها و شرکای استراتژیک را برشمرد. از این رو، در راستای توسعه مشترک با اتحادیه اروپا، کریدور گاز جنوبی که تامین انرژی اتحادیه اروپا به آن وابسته است می‌تواند تضمین‌های امنیتی بیشتری را برای آذربایجان در برابر حمله احتمالی روسیه و ارمنستان و مذاکره در قبال مناطق از دست داده ایجاد کند. همان‌طور که رئیس شرکت دولتی سوکار آذربایجان بیان می‌کند: "از طریق پروژه‌های انرژی که مثل خونی در سیستم انرژی اتحادیه اروپا هستند، باکو تلاش می‌کند اهمیت خود را در استراتژی امنیت اتحادیه اروپا افزایش دهد. اگر آذربایجان انرژی نداشته باشد، اتحادیه اروپا اهمیت کمتری به آذربایجان خواهد داد. و ما باید از این فرصت برای تحکیم موقعیت خود و بهبود شرایط چالش برانگیز در مناطق مورد مناقشه استفاده بکنیم" (Baylarbyov, 2015).

از طرف دیگر، اتحادیه اروپا نه تنها عمده‌ترین مشتری گاز آذری‌ها است بلکه وضعیت ژئوپلیتیکی کریدور گاز جنوبی، اتحادیه اروپا را وادار می‌کند وقت بیشتری را برای تضمین امنیت این جمهوری و به طور غیرمستقیم ثبات منطقه پردازد: "خطوط لوله مثل پل‌ها هستند، مردم را به یکدیگر متصل می‌کند، آسیا را به آذربایجان، آذربایجان به ترکیه و ترکیه به اروپا. این مثل بزرگی برای پیشرفت‌های آینده است. حتی اگر این پیوندها به زودی رخ ندهند، بعداً تحقق خواهند یافت. خطوط لوله می‌توانند روابطی را تقویت کنند که فراتر از همکاری در زمینه اقتصاد است و اغلب دارای تأثیرات سیاسی هستند. آنها یک رابطه وابستگی ایجاد می‌کنند و روابط سیاسی را مستحکم‌تر می‌کند" (Baylabarov, 2015).

این پژوهش نشان داده است که نیاز به اجرای سیاست اتحادیه اروپا در زمینه تنوع منابع و راه‌های انرژی، نهادهای اتحادیه اروپا و مقامات را ترغیب به اعمال روابط راهبردی با آذربایجان در اطراف SGC در ۱۳ سال گذشته کرده است. بنابراین آذری‌ها نمونه خوبی از روابط دیپلماتیک در حال ظهور برای کریدور گاز جنوبی است که نقش مهمی در مقابله اتحادیه اروپا در برابر انحصار منابع گاز روسیه ایفا می‌کند. با این وجود، توسعه موفق آن بستگی به روابط خوب دیپلماتیک نه تنها با آذربایجان بلکه همچنین با ایران و ترکمنستان دارد، زیرا گاز از این دو کشور می‌تواند منابع اضافی برای SGC را تشکیل دهد. از طرف دیگر کشورهای اروپایی نمی‌خواهند بیشتر وارداتشان از یک کشور صورت گیرد، بنابراین تمایل دارند بخشی از واردات آینده خود را از حوزه دریای خزر تأمین کنند؛ تا هم شرایط تأمین مطمئن گاز فراهم و هم قیمت گاز رقابتی شود و بهترین و در دسترس‌ترین گزینه‌ی مطرح برای تأمین کسری گاز اروپا در حال حاضر جمهوری آذربایجان است.

بنابراین متغیر روسیه نقش مهمی در بسط روابط اتحادیه اروپا با آذربایجان داشته است. قرار گرفتن قطب مصرف‌کننده گاز دنیا (اتحادیه اروپا) در مجاورت قطب تولیدکننده دنیا (روسیه)، به خودی خود اتحادیه اروپا را در وضعیت شکننده و آسیب‌پذیری قرار داده است. از سوی دیگر سابقه استفاده‌های سیاسی روسیه از ابزار انرژی نیز بر دشوارتر شدن وضعیت اتحادیه اروپا تاثیر داشته است. مطابق تحقیقی که آژانس تحقیقاتی وزارت دفاع سوئد انجام داده است، روسیه بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶، ۵۵ بار از اهرم انرژی برای دستیابی به اهداف سیاسی خود استفاده کرده است (Kramer, 2018: 12). مجموع این شرایط اتحادیه اروپا را مجاب کرده است تا در راستای افزایش امنیت انرژی، دیپلماسی خود را متوجه افزایش روابط با کشورهای کند که بتوانند آسیب‌پذیری مذکور را کاهش دهند که جمهوری آذربایجان، به دلیل ظرفیت‌های بالا در حوزه انرژی و نیز مجاورت جغرافیایی آن با اتحادیه، یکی از بهترین کشورها در این زمینه است.

نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بازیگران مهم بین‌المللی در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انرژی است. بر این اساس یکی از دغدغه‌های امنیتی مهم اتحادیه وابستگی آن به بخش انرژی است. با توجه به اینکه این اتحادیه بخش عمده‌ای از انرژی مورد نیاز خود را از روسیه وارد می‌کند، تمایل روزافزون این کشور برای استفاده از انرژی به عنوان سلاحی در روابط با کشورهای دیگر، وابستگی اتحادیه اروپا به روسیه را به تهدید امنیتی برای این اتحادیه تبدیل کرده است و با توجه به استفاده مکرر روسیه از ابزار انرژی برای فشار بر اتحادیه اروپا، کشورهای عضو این اتحادیه درصدد تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی خود هستند. از این رو، اتحادیه اروپا نیز با آگاهی از وابستگی نامتقارن به انرژی روسیه و پیامدها و تهدیدهای امنیتی ناشی از آن، درصدد برآمده است از طریق ارتباط با جمهوری آذربایجان و متنوع سازی منابع انرژی خود بوسیله طریق کریدور گاز جنوبی، این تهدیدها را کاهش دهد.

آذربایجان با ۷ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت (۰/۶ درصد ذخایر جهانی) و ۱/۳۷ تریلیون مترمکعب گاز، بازیگری فعال در عرصه همکاری‌های بین‌المللی و کشوری موفق در عرصه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مشارکت شرکت‌های نفتی در طرح‌های اکتشاف منابع نفتی و خطوط لوله انتقال انرژی است. بیش از ۹۰ درصد از ذخایر غنی نفتی جمهوری آذربایجان در همسایگی مرزهای دریایی این کشور در دریای خزر واقع شده است. این کشور در دو دهه گذشته، یکی از صادرکنندگان اصلی گاز به اتحادیه اروپا بوده است.

از طرف دیگر همان‌طور که در صفحات پیشین بیان شد، کشورهای اروپایی حضور قابل توجهی در طرح‌های نفت و گاز این کشور داشته‌اند و پروژه‌های مختلفی جهت مهیا کردن مسیرهای انتقال نفت و گاز تولیدی این کشورها به سمت بازارهای مصرفی اروپا انجام داده‌اند. کشورهای اروپایی نمی‌خواهند

بیشتر وارداتشان از یک کشور صورت گیرد. بنابراین تمایل دارند بخشی از واردات آینده خود را از حوزه دریای خزر، ایران و ترکمنستان تأمین کنند، تا هم شرایط تأمین مطمئن گاز فراهم و هم قیمت گاز رقابتی شود. بهترین و در دسترس‌ترین گزینه‌ی مطرح برای تأمین کسری گاز اروپا در حال حاضر با توجه به کریدور گاز جنوبی جمهوری آذربایجان است. زیرا این کریدور علاوه بر بازکردن محاصره ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کشورهای مثل گرجستان و آذربایجان، باعث بهره‌گیری اعضای اتحادیه از منابع حوزه خزر و تأمین انرژی از طریق تنوع منابع می‌شود.



منابع الف) فارسی

- آجیلی، هادی و بهادرخانی، محمد رضا (۱۳۹۴)، اقتصاد سیاسی خطوط لوله انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز. تیشه‌یار، ماندانا و گرجی، میلاد (۱۳۹۵)، سیاست امنیت انرژی ترکیه و نقش آن در انتقال انرژی به اروپا. مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان.
- جعفری، علی اکبر و جانباز، دیان (۱۳۹۷)، امنیت هستی شناسانه: ابزاری برای مداخله ژئوپلیتیک غرب در خزر (با تاکید بر مسئله انرژی). مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان.
- خزاعی، مجتبی و طهمورث، عماد (۱۳۹۶)، بررسی عوامل موثر بر مبادلات نفت و گاز روسیه - اتحادیه اروپا. ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز. شماره ۱۵۲. شفائی، مسعود و دارابی، گلتاب (۱۳۹۰)، اهداف و ابعاد دیپلماسی انرژی چین. فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان.
- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۲)، ایران و تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی. مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، بهار و تابستان.
- صباغیان، علی و سروستانی، عباس (۱۳۹۳)، امنیت انرژی و روابط اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای مرکزی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره نوزدهم، تابستان. فرجی‌راد، عبدالرضا و دولت‌آباد، روح‌الله (۱۳۹۶)، اهمیت نقش انرژی در سیاست خارجی روسیه. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۸، تابستان.
- قنبری، لقمان (۱۳۹۶)، دیپلماسی انرژی و توسعه اقتصادی. فصلنامه سیاست خارجی، سال‌سی و یکم، شماره ۴، زمستان.
- کریمی‌پور، داود، نیاکویی، امیر و سیمبر، رضا (۱۳۹۶)، نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۲، پاییز.
- نیاکویی، سید امیر و کریمی‌پور، داود (۱۳۹۴)، دیپلماسی انرژی اسرائیل: مبانی و اهداف منطقه‌ای. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل. شماره بیست و دوم، بهار.

ب) انگلیسی

Barroso, durao J. M. (2011). Joint declaration on the Southern Gas Corridor of José Manuel Durão Barroso (President of the European Commission) and Ilham Aliyev (President of the Republic of Azerbaijan). January 13. Baku, the Republic of Azerbaijan. Accessed May 8, 2013.

Baylarbayov, V. (2015). In interview with Georgi Gotev for EurActiv, SOCAR: It is impossible to stop the Southern Gas Corridor. Accessed January 3, 2017.

Berdymukhamedoy, K. (2016). Turkmenistan says in talks with EU on possible gas deliveries. EurActiv with Reuters. Accessed August 29

Bocse, Alexandra(2018), EU Energy Diplomacy: Searching for New Suppliers in Azerbaijan and Iran. Geopolitics <https://doi.org/10.1080/14650045.2018.1477755>.

BP Energy Outlook, RUSSIA (2019), Available at: © BP p.l.c. 2019 | bp.com/energyoutlook.

Ceep (2018), The Southern Gas Corridor: a struggle between EU co-operation and Chinese dominance. <https://www.ceep.be/southern-gas-corridor-eu-co-operation-chinese-dominance>.

Council of the European Union. (2015). Council conclusions on energy diplomacy. Council Document No. 10995/15. Accessed September 15, 2016. <http://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2015/07/20-fac-energy-diplomacy-conclusion>

De Jong, S., J.Wouters, and S. Sterkx. (2010). The 2009 Russian-Ukrainian gas dispute: Lessons for European energy crisis management after Lisbon. *European Foreign Affairs, Review* 15.

Ec.europa.eu (2019), Report From The Commission to the European Parliament, The Council, the European Economic and Social Committee and the Committee of the Regions. Energy Prices and Costs in Europe. Brussels, 9.01.2019 COM(2019) 1 final.

European Commission (2010). Communication from the Commission to the European Parliament, the Council, the European Economic and Social Committee and the Committee of the Regions, Energy 2020. Accessed July 2, 2015.

European Commission (2015). Priorities. Accessed November 30, 2015. <http://ec.europa.eu>.

European Commission (2018). EU energy statistical pocketbook and country datasheets. <https://ec.europa.eu/energy/en/data-analysis/energy-statistical-pocketbook>

Eurostat(2019), EU imports of energy products – recent developments. Statistics Explained (<https://ec.europa.eu/eurostat/statisticsexplained/>) – 27/06/2019.

Herranz-Surrallés, A (2016). An emerging EU energy diplomacy? Discursive shifts, enduring practices. *Journal of European Public Policy* 23(9):1386-405. doi:10.1080/ 13501763.2015.1083044.

Huda, M. S., and S. H. Ali. (2017). Energy diplomacy in South Asia: Beyond the security paradigm in accessing the TAPI pipeline project. *Energy Research & Social Science* 34:202-13. doi:10.1016/j.erss.2017.07.013.

International Energy Agency. (2018). World energy outlook 2018. <https://www.iea.org/statistics/rdd/> .

Isgandarov, F (2015). In interview with Georgi Gotev for EurActiv, Azeri

Ambassador: Azerbaijan and EU need to build a perspective. Accessed December 5, 2016

Kramer, mark (2018) "Russian Policy Toward the Commonwealth of Independent States: Recent Trends and Future Prospects". In " Problems of Post-Communism". Volume 55, Issue 6

Mard, Malena (2016), EU-Azerbaijan cooperation - working together with different actors. Newtimes.az, Baku, 25 October 2016

Mather, P (2016). In Southern gas corridor on time, BP executive says, written by Georgi Gotev for EurActiv with agencies. Accessed January 3, 2017. <http://www.euractiv.com>

Siddi, M (2017). The EU's botched geopolitical approach to external energy policy: the case of the southern gas corridor. Geopolitics. doi:10.1080/14650045.2017.1416606.

Simola, h and Laura S (2017), "Bofit Policy Brief, Overview of Russia's Oil and Gas Sector", Bank of Finland, BOFIT, Institute for Economies in Transition.

Triantaphyllou, D., and Fotiou. E (2010). The EU and Turkey in energy diplomacy. Insight. Turkey 12(3):55-61.

Yusifzade, K. (2016). In New discoveries improve the Southern Gas Corridor's prospects. Written by Georgi Gotev for EurActiv. Accessed January 3, 2017.